

بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری

کودکان دبستانی شهر کرج

علیرضا صفری^۱، علی عابدینی^۲، وحید صادقی فیروزآبادی^۳، زهرا رجب پور نیکنام^۴

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارسنجان، فارس، ایران.

۳. استادیار روانشناسی و عضو هیئت‌علمی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. کارشناس ارشد علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و یکم، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، صفحات ۶۶-۴۳

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری والدین با اختلالات رفتاری دانش‌آموزان دبستانی شهر کرج بود. بدین منظور، از بین دانش‌آموزان دبستان‌های کرج که در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۸۰ نفر (۱۶۸ پسر و ۲۱۲ دختر) انتخاب گردیدند. روش تحقیق از نوع همبستگی و ابزار پژوهش شامل پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری، رضایت زناشویی و اختلالات رفتاری بود. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده گردید. نتایج نشان داد که اختلالات رفتاری دانش‌آموزان با رضایت زناشویی والدین و شیوه فرزند پروری مقتدرانه، رابطه منفی معنادار و با شیوه سهل‌گیرانه و مستبدانه رابطه مثبت معنادار دارد. علاوه بر این، شیوه فرزند پروری مقتدر، بهترین پیش‌بین برای اختلالات رفتاری دانش‌آموزان است و در مجموع، سبک‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی، ۲۴ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزند پروری، رضایت زناشویی، اختلالات رفتاری.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و یکم، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
رفتاری

مقدمه

اختلالات و مشکلات رفتاری کودکان و به‌ویژه دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا دوران کودکی نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت جسمانی و روان‌شناختی افراد در مراحل بعدی زندگی دارد. هرگونه راهکار در راستای شناسایی، تشخیص، پیشگیری و درمان مشکلات رفتاری در سنین اولیه می‌تواند بهداشت روانی جامعه را ارتقاء بخشد. به‌خصوص آنکه متأسفانه مشکلات رفتاری در بین دانش‌آموزان نیز شیوع بالایی دارد (نجاتی، ۱۳۹۱) و در طی ۲۵ سال گذشته، از ۶/۸ به ۱۴/۹ درصد افزایش یافته است (بریوارت^۱ و باکر^۲، ۲۰۱۱). کرک^۳ (۱۹۹۸)؛ به نقل از ملائکه، (۱۳۸۴)، رفتاری را انحرافی یا هیجانی تلقی می‌کند که ضمن نامتناسب بودن با سن فرد، شدید، مزمن یا مداوم باشد و گستره آن، شامل رفتارهای بیش‌فعالی و پرخاشگرانه تا رفتارهای گوشه‌گیرانه است. ویژگی این‌گونه رفتارها این است که نخست، تأثیر منفی بر فرآیند رشد و انطباق مناسب کودک با محیط دارد و دوم، برای زندگی دیگران مزاحمت به وجود می‌آورد.

اختلال‌های رفتاری کودکان، اختلال‌های شایع و ناتوان‌کننده‌ای هستند که برای معلمان، خانواده و خود کودکان مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کنند و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی و حرفه‌ای کودکان تأثیر منفی می‌گذارند و احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی در دوره بزرگسالی را افزایش می‌دهند (سلیمی و یوسفی، ۲۰۱۷). بی‌شک خانواده، نخستین و مهم‌ترین آموزشگاه و پرورشگاه انسان به شمار می‌آید. خانواده، فرایند شدن انسان را از قوه به فعل فراهم کرده و تسهیل می‌سازد و پس از یک زمینه مناسب وراثتی، مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیاز برای تحول یک انسان محسوب می‌شود. از آنجاکه حساس‌ترین ایام زندگی یک فرد در خانه، خانواده و در دامن مادر سپری می‌شود؛ از این‌رو تعجبی ندارد که ریشه بیشتر مشکلات رفتاری و ناهنجاری‌های عاطفی، اجتماعی و روانی را باید در خانواده جستجو کرد (شفیع پور و همکاران، ۲۰۱۵).

ویلیام گود^۱، خانواده را مهم‌ترین پایگاه و ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد را در بروز، توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج‌رو دخیل می‌داند. این نهاد همچنین، نقش عمده‌ای را در یادگیری، تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد و بالأخره خانواده، منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به شمار می‌آید (مسعودی، ۱۳۹۰). شارما^۲ و جوشی^۳ (۲۰۱۵) معتقدند، تجربه‌ای که هر فرد با خانواده و به‌طورکلی با والدین خود دارد، یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده فرایند تنظیم، سازش یافتگی و تربیت شخص طی دوران بلوغ و زندگی آینده وی است. گاهی شیوه آموزش و تربیت والدین نادرست است و در آینده مشکلاتی را در فرزندان به وجود می‌آورد که از این مشکلات به اختلالات رفتاری تعبیر می‌شود. با توجه به نقش تربیتی خانواده در شکل‌گیری اختلال‌های رفتاری، یکی از عوامل مؤثر بر این اختلال‌ها سبک‌های فرزند پروری است که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و این سبک‌ها در شکل‌گیری، تحول شخصیتی و رفتاری آن‌ها تأثیر فراوان و عمیقی دارد (ژائو^۴، ژانگ^۵ و فانگ^۶، ۲۰۱۵). پژوهش‌های معاصر در مورد شیوه‌های فرزند پروری تحت تأثیر مطالعات بامریند^۷ در مورد کودکان و خانواده‌های آن‌ها قرار دارد. بامریند، سه سبک فرزند پروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه را ارائه کرده است. پژوهش‌های انجام‌شده بر روی این سه سبک نشان داده است که هرکدام از این سبک‌ها می‌تواند پیامد مثبت و منفی برای کودکان به همراه داشته باشد (بامریند، ۱۹۶۶؛ به نقل از سلیمی و یوسفی، ۲۰۱۷). سبک‌های مستبدانه، با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آن‌ها مشخص می‌شود و با پیامدهای منفی، مانند مشکلات رفتاری از قبیل افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و نافرمانی همراه است. سبک فرزند پروری مقتدرانه، ترکیبی از مهارگری

-
1. Good
 2. Sharma
 3. Joshi
 4. Gao
 5. Zhang
 6. Fung
 7. Baumrind

و حمایت بالای عاطفی، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباط دوسویه میان کودک و والد را تأمین می‌کند. این سبک با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکا به خود، انحراف رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان همراه است (سانگ‌اوی^۱، آدامز^۲ و ریسلند^۳، ۲۰۱۵). در همین راستا، نتایج پژوهش داکتروف^۴ و آرنولد^۵ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد سبک‌ها و استراتژی‌های تربیتی والدین که به خودمختاری و استقلال فرزندان اهمیت می‌دهند، در دستیابی آن‌ها به موفقیت‌های تحصیلی مؤثر است. در سبک سهل‌گیرانه که با تقاضای کم والدین و پاسخ‌دهی بالای آن‌ها مشخص می‌شود، والدین با توجه بیش‌ازحد به فرزندان، انتظارات کمی از آن‌ها دارند. این شیوه تربیتی با پرخاشگری، رفتار ضداجتماعی، ضعف تحصیلی و مشکلات رفتاری آشکار در کودکان همراه است (شفیع پور و همکاران، ۲۰۱۵). پژوهش‌های زیادی در خصوص رابطه اختلالات رفتاری کودکان و سبک‌های فرزند پروری صورت گرفته است. شفیع پور و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود تحت عنوان سبک‌های فرزند پروری و ارتباط آن با اختلالات رفتاری کودکان نشان دادند که سبک فرزند پروری مقتدرانه با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان رابطه منفی معنادار دارد. صادق‌خانی، دهکردی و کاکوجویباری (۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه شیوه‌های فرزند پروری مادران دانش‌آموز دوره ابتدایی با اختلال لجبازی-نافرمانی و عادی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده این بود که مادران کودکان دارای اختلال لجبازی نسبت به مادران دارای کودک عادی، بیشتر از شیوه‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه و کمتر از روش مقتدرانه استفاده می‌کنند. همچنین کاشانی (۱۳۸۷) و منوچهری و مفید (۲۰۱۴) در تحقیقاتشان به ترتیب نشان دادند شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه با اختلالات رفتاری رابطه مثبت دارد و بین سبک فرزند پروری مقتدرانه والدین با اضطراب و زیرمقیاس‌های آن مثل احساس ضعف و تنش در کودکان رابطه منفی معنادار وجود دارد.

-
1. Sangawi
 2. Adams
 3. Reissland
 4. Doctoroff
 5. Arnold

پژوهش‌های فرزند پروری در خارج از کشور هم نشان می‌دهد، رفتار والدین با اقتدار منطقی با سطوح بالاتری از سازگاری، انطباق، بلوغ روانی، شایستگی روانی - اجتماعی، عزت نفس و موفقیت آموزشی فرزندان آن‌ها مرتبط است. برای مثال در تحقیقی که توسط بامریند^۱ (۱۹۷۶) انجام شد، نتایج نشان داد، کودکانی که خویشتن دار، کنجکاو، فعال و متکی به خود هستند و نسبت به خود و نسبت به همبازی‌هایشان مهربان‌تر هستند، والدینی مهربان، پرحرارت و پذیرنده دارند و والدین آن‌ها، بیشتر از روش مقتدرانه استفاده می‌کنند. همچنین چانگ^۲ (۲۰۰۳) و سوسی^۳ و لروس^۴ (۲۰۰۰) در مطالعاتشان شیوه فرزند پروری مقتدرانه را بهترین شاخص جهت پیش‌بینی قابلیت تحصیلی فرزندان معرفی کرده‌اند و معتقدند، شیوه‌های فرزند پروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با خوداتکایی پایین و بروز اختلالات رفتاری در ارتباط است. در همین راستا، نتایج پژوهش نیکولائف^۵ و همکاران (۲۰۱۶) بیانگر این بود که سبک فرزند پروری مستبد همراه با عدم پذیرش فرزندان، زمینه‌ساز اختلالات رفتاری و هیجانی فرزندان به‌خصوص پسران در سنین پایین‌تر خواهد بود. علاوه بر این، بررسی‌های ماتسویچ^۶، یوانویچ^۷ و یوانویچ (۲۰۱۴) نیز نشان داد، مادران دارای سبک فرزند پروری مقتدرانه، در فعالیت‌های مدرسه فرزندان خود مشارکت بیشتری دارند و باعث دستیابی آن‌ها به موفقیت بیشتری می‌شوند. علاوه بر سبک‌های فرزند پروری، نحوه رابطه زوجین و رضایت زناشویی آن‌ها نیز در مشکلات رفتاری فرزندان تأثیرگذار است. کاپلان^۸ بیان می‌کند که رضایت زناشویی، تجربه شخصی هر فرد در ازدواج است و این رضایت فقط می‌تواند به‌وسیله همان فرد در پاسخ به میزان مطلوبیت ازدواج ارزیابی شود. به عقیده وی، مطلوبیت ازدواج به تجربه افراد، نیازها و آرزوهایشان در زندگی وابسته است.

1. Baumrind

2. Chang

3. Soucy

4. Larose

5. Nikolaev

6. Matejevic

7. Jovanovic

8. Kaplan

درواقع، رضایت زناشویی به میزان رضایت زوجین اشاره داشته و شامل دیدگاه زن درباره شوهر و دیدگاه شوهر درباره همسرش در نظر گرفته می‌شود (میرفردی، عدالتی و رذوان، ۲۰۱۰). رضایت زناشویی به‌عنوان نگرش فرد نسبت به رابطه زناشویی بیان می‌شود که یک ارزیابی کلی از رابطه عاشقانه کنونی فرد است و می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا خشنود بودن باشد؛ یک موقعیت روان‌شناختی که مستلزم تلاش هر دو زوج بوده و متأثر از ارتباط کودک-والد نیز هست (کوک^۱، لونگ^۲ و وونگ^۳، ۲۰۱۶). همچنین، به نظر زاینه^۴ و همکاران، (۲۰۱۲)، رضایتمندی زناشویی یک ارزیابی کلی از وضعیت ازدواج فرد بوده و بازتابی از سعادت زناشویی و عملکرد آن است و با پایدار بودن واحد خانواده و کیفیت بهتر زندگی رابطه مستقیم و غیرمستقیم دارد؛ درحالی‌که نارضایتی از ازدواج به تنش، اضطراب و حتی انحلال واحد خانواده منجر می‌شود.

افرادی که از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند، هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه کرده، از گذشته و آینده خود و دیگران رویدادهای مثبت بیشتری را به یاد آورده و از پیرامون و دنیای اطراف خود، ارزیابی مثبت‌تری دارند و آن‌ها را خوشایند توصیف می‌کنند (لوپو^۵ و دلیر^۶، ۲۰۱۴). رضایت زناشویی، روابط زوج‌ها را بعد از ازدواج تحت تأثیر قرار می‌دهد و در صورت عدم رضایت یا میزان پایین آن، در جو خانواده اختلال به وجود خواهد آمد؛ اما در صورت وجود رضایت زناشویی، بین زوج‌ها علاقه و گرمی ایجاد خواهد شد و خانواده‌ای سالم و بالنده ایجاد می‌شود و فرزندان از بودن در این محیط به خود می‌بالند و در آینده نزدیک نیز والدینی شایسته خواهند شد. ولی خانواده‌هایی که در آن‌ها تنش و درگیری وجود دارد، توان کمتری برای تربیت و پرورش کودک به کار گرفته می‌شود؛ زیرا انرژی و زمان والدین، صرف حل و فصل مشکلات زناشویی می‌شود و کودک نیز در چنین محیط متشنجی

-
1. Kwok
 2. Leung
 3. Wong
 4. Zainah
 5. Lopoo
 6. DeLeire

آمادگی کاملی برای دریافت محبت و جذب آنچه باید بیاموزد را ندارد و از طریق مشاهده رفتار والدین این سبک و سیاق زندگی کردن را یاد گرفته و الگوبرداری می‌کند و زمینه برای بروز اختلالات و رفتارهای نابهنجار بعدی آماده می‌شود. لذا رضایت زناشویی از مؤلفه‌های مهم و اثرگذار بر سلامت روان کودک شناخته شده است (اپریسان، ۲۰۱۲). از طرفی، یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده طلاق و جدایی در زوجین، رضایت زناشویی پایین است. نتایج تحقیقات نیز بیانگر این است که فرزندان خانواده‌هایی که در آن‌ها طلاق صورت می‌گیرد نسبت به فرزندان سایر خانواده‌ها عموماً مشکلات رفتاری بیشتر، خودپنداره ضعیف‌تر، روابط اجتماعی و موفقیت‌های تحصیلی کمتری را تجربه می‌کنند (دیلانگیس و ویکر، ۲۰۱۶). نتایج تحقیق زادحسن و همکاران (۱۳۹۵) باهدف بررسی رابطه رضایت زناشویی والدین با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهرستان دزفول در نمونه‌ای ۲۲۰ نفر نشان داد که بین رضایت زناشویی با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی رابطه معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه میزان رضایت زناشویی کمتر باشد میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان نیز بالاتر می‌رود. رحیمی و رحیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان به این نتیجه دست یافتند که مشکلات رفتاری کودکان با رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری مقتدرانه رابطه منفی معنی‌دار و با سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه والدین رابطه مثبت معنی‌دار دارد. همچنین تقی‌زاده و محمدی (۱۳۹۳)، عرفایی، محمدی و سهرابی (۲۰۱۳)، رجبی، افروز و ارجمندیان (۲۰۱۲) و علایی، احمدی و بابایی (۲۰۱۱) در پژوهشی‌هایی که انجام دادند، نتایج نشان داد، بین میزان رضایت زناشویی و سبک‌های تربیتی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان و سلامت جسمی و روانی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد و رضایت زناشویی می‌تواند اختلالات رفتاری کودکان، اضطراب و نشانه‌های آسیب‌شناختی آن‌ها را پیش‌بینی نماید. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌های سیدنوری و همکاران (۱۳۹۳) و زارعی، رستمی و قپانچی (۲۰۱۰) نشان داد والدین کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری و ADHD از رضایت زناشویی پایین‌تری نسبت به والدین کودکان عادی برخوردارند.

در پژوهش‌های خارجی نیز نتایج بررسی‌های واسیلوپولو^۱ و نیسبت^۲ (۲۰۱۶) مبین آن است که والدین کودکان مبتلا به اوتیسم از رضایت و کیفیت زندگی پایین‌تری نسبت به والدین کودکان عادی برخوردارند. یوکسل^۳ و کانل^۴ (۲۰۱۲) نیز در تحقیقی دریافتند که بین میزان رضایت زناشویی والدین با رفتارهای ضداجتماعی فرزندان (شامل خصومت، تحریک‌پذیری و کج‌خلقی و پرخاشگری) و شایستگی اجتماعی آن‌ها (شامل مهارت‌های ارتباط بین فردی، مدیریت و مهارت‌های تحصیلی) رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به میزان شیوع مشکلات رفتاری در بین کودکان و با تأکید بر اینکه دو متغیر رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری می‌تواند بر روی اختلالات رفتاری کودکان تأثیر داشته باشند، در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی با اختلالات رفتاری کودکان دبستانی شهر کرج پرداخته شده است.

روش پژوهش

طرح کلی پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت‌اند از کلیه دانش‌آموزان دبستان‌های شهر کرج که در سال تحصیلی ۱۳۹۵ - ۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند که تعداد آن‌ها در حدود ۱۴۰۰۰ نفر بود و نمونه آماری عبارت‌اند از ۳۸۰ نفر که از بین دانش‌آموزان، طبق جدول مورگان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است.

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری رابینسون^۵: این پرسشنامه دارای ۳۲ سؤال است که با استفاده از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای، سه شیوه عمده فرزند پروری مقتدرانه (۱۵ سؤال)، مستبدانه (۱۲ سؤال) و سهل‌گیرانه (۵ سؤال) را اندازه می‌گیرد. فرم ۶۲ سؤالی پرسشنامه

-
1. Vasilopoulou
 2. Nisbet
 3. Yuksel
 4. Canel
 5. Robinson

در سال (۲۰۰۲) توسط آندریس^۱ به کار گرفته شده است که برای سبک مقتدرانه و سهل‌گیرانه، به ترتیب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و ۰/۷۵ به دست آمده است (صبوری، ۱۳۸۶). فرم ۳۲ سؤالی را علیزاده (۱۳۸۰)، در پژوهشی به کار برده است که اعتبار برونی مقیاس اقتداری، ۰/۹۰، اعتبار درونی مقیاس مستبدانه، ۰/۷۸ و اعتبار درونی مقیاس سهل‌گیرانه، ۰/۷۰ گزارش شده است. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای شیوه مقتدرانه، ۰/۷۲، شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۵۹، شیوه مستبدانه، ۰/۷۳ و ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون نیز ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۲: این پرسشنامه مشتمل بر ۴۷ سؤال است و به هر گزینه از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد و به صورت یک ابزار تحقیق معتبر، در پژوهش‌های متعددی برای بررسی رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین این پرسشنامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی و توصیف مشکلات بالقوه زوجها و زمینه‌های نیرومند و تقویت آن‌ها به کار می‌رود و نیز به عنوان یک ابزار تشخیص برای زوج‌هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و تقویت رابطه زناشویی هستند استفاده می‌شود (پور دهقان، ۱۳۸۴). حداقل نمره یک آزمودنی در این پرسشنامه، ۴۷ و حداکثر ۲۳۵ است. اولسون^۳ و نمچک^۴ (۱۹۸۹) ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا، ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسشنامه اختلالات رفتاری راتر^۵: پرسشنامه ارزیابی رفتاری راتر فرم B (معلمان) برای شناسایی دانش‌آموزان دارای اختلال رفتاری به کار می‌رود و دارای ۲۶ ماده است که به هر کدام، نمره صفر، یک یا دو تعلق می‌گیرد (برهمند، ۱۳۸۱). حداقل نمره یک آزمودنی در این پرسشنامه ۰ و حداکثر ۵۲ است. این پرسشنامه در تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور به کار رفته است و روایی و

1. Anderis

2. Enrich

3. Olson

4. Nemchek

5. Rutter

اعتبار بالایی دارد. یوسفی (۱۳۷۷؛ به نقل از برهمند، ۱۳۸۱) پرسشنامه رفتاری راتر را بر روی کودکان دبستانی شهر شیراز هنجاریابی کرد. وی برای سنجش قابلیت اعتماد پرسشنامه از روش بازآزمایی استفاده کرد و ضریب $0/90$ را به دست آورد. در این پژوهش نیز برای این پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ، $0/76$ به دست آمد.

جهت جمع‌آوری داده‌ها، پس از اخذ معرفی‌نامه از دانشگاه و مجوز از آموزش و پرورش استان البرز و انتخاب آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی در بین والدین و پرسشنامه اختلالات رفتاری راتر در بین معلمان توزیع شد و در خصوص نحوه تکمیل نمودن پرسشنامه‌ها، اهداف پژوهش و اهمیت آن توضیحات لازم توسط محقق به آن‌ها ارائه گردید. در پژوهش حاضر از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شده است.

یافته‌ها

حجم نمونه پژوهش حاضر ۳۸۰ نفر است که از این تعداد ۱۶۸ نفر پسر و ۲۱۲ نفر دختر می‌باشند؛ یعنی $44/2$ درصد از افراد گروه نمونه را پسران و $55/8$ درصد را دختران دانش‌آموز تشکیل می‌دهند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	شاخص‌ها		
	حداقل	حداکثر	میانگین
اختلالات رفتاری دانش‌آموزان	۰	۳۴	$7/46$
سبک فرزند پروری مقتدرانه	$1/27$	$3/72$	$2/69$
سبک فرزند پروری مستبدانه	۰	$2/33$	$0/69$
سبک فرزند پروری سهل‌انگارانه	$0/3$	$3/4$	$1/56$
رضایت زناشویی	۷۲	۲۰۳	$128/92$
انحراف استاندارد			$4/23$

داده‌های جدول ۱ حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف استاندارد نمرات رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی رضایت زناشویی، شیوه‌های فرزند پروری و اختلالات رفتاری

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱	رضایت زناشویی	۱			
۲	شیوه مقتدرانه	۰/۶۸**	۱		
۳	شیوه سهل‌گیرانه	-۰/۵۸**	-۰/۵۵**	۱	
۴	شیوه مستبدانه	-۰/۶۱**	-۰/۶۲**	-۰/۵۹**	۱
۵	اختلالات رفتاری	-۰/۱۶*	-۰/۳۱**	۰/۲۸**	۰/۱۲*

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ * معنی‌دار در سطح ۰/۰۵

ماتریس همبستگی‌ها نشان می‌دهد که اختلالات رفتاری با رضایت زناشویی همبستگی منفی (۰/۱۶-) و با سبک فرزند پروری مقتدرانه همبستگی منفی (۰/۳۱-) دارد که به ترتیب در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار است. اختلالات رفتاری با سبک فرزند پروری سهل‌انگارانه، همبستگی مثبت (۰/۲۸) و با سبک فرزند پروری مستبدانه، همبستگی مثبت (۰/۱۲) دارد که به ترتیب در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان توسط سبک‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی والدین

گام	پیش‌بین	R	R ²	F	معنی داری F	B	Beta	t	معنی داری
۱	سبک مقتدر	۰/۳۱	۰/۱۰	۴۲/۵۶	۰/۰۰۱	-۴/۵۸	-۰/۳۱	-۷/۶۸	۰/۰۰۱
	سبک سهل‌انگار	۰/۳۸	۰/۱۴	۳۳/۱۹	۰/۰۰۱	-۳/۸۰	-۰/۲۴	-۶/۰۱	۰/۰۰۱
۲	سبک مقتدر	۰/۴۵	۰/۲۰	۳۰/۴۴	۰/۰۰۱	-۴/۵۸	-۰/۲۹	-۷/۱۱	۰/۰۰۱
	سبک سهل‌انگار					۲/۸۸	۰/۲۴	۴/۹۸	۰/۰۰۱
	رضایت زناشویی					-۴/۵۷	-۰/۲۳	-۴/۷۹	۰/۰۰۱
۳	سبک مقتدر	۰/۴۹	۰/۲۴	۲۶/۲۹	۰/۰۰۱	-۲/۷۷	-۰/۱۹	-۴/۱۲	۰/۰۰۱
	سبک سهل‌انگار					۳/۲۱	۰/۲۶	۷/۰۵	۰/۰۰۱
	رضایت زناشویی					-۴/۱۳	-۰/۳۳	-۷/۵۳	۰/۰۰۱
	سبک مستبدانه					۳/۱۶	۰/۱۷	۵/۳۷	۰/۰۰۱

ضریب رگرسیون استاندارد نشده: B ضریب رگرسیون استاندارد شده: Beta

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره با استفاده از روش گام به گام نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی)، به ترتیب، سبک فرزند پروری مقتدر، سبک فرزند پروری سهل‌انگار، رضایت زناشویی و سبک فرزند پروری مستبدانه وارد معادله رگرسیون شدند. در گام اول، سبک مقتدر به تنهایی ۱۰٪ از واریانس اختلالات رفتاری را تبیین می‌کند؛ آزمون آماری F برای معنی داری ضریب همبستگی برابر با ۴۲/۵۶ که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است. در گام دوم، سبک مقتدر و سهل‌انگار با هم ۱۴ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند؛ آزمون آماری F برای معنی داری ضریب همبستگی برابر با ۳۳/۱۹

که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. با کسر سهم سبک مقتدر، سبک سهل‌انگار، ۴ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند. در گام سوم، سبک مقتدر، سبک سهل‌انگار و رضایت زناشویی، در مجموع ۲۰ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند؛ آزمون آماری F برای معنی‌داری ضریب همبستگی برابر با ۳۰/۴۴ که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است؛ به این ترتیب، رضایت زناشویی، ۶ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند. در گام چهارم، سبک مقتدر، سبک سهل‌انگار، رضایت زناشویی و سبک مستبدانه، در مجموع ۲۴ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند؛ آزمون آماری F برای معنی‌داری ضریب همبستگی برابر با ۲۶/۲۹ که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. با این حساب، سبک مستبدانه، ۴ درصد از واریانس اختلالات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به عرض از مبدأ به دست آمده و ضرایب رگرسیون غیراستاندارد در گام آخر می‌توان معادله رگرسیون را به شکل زیر نوشت:

$$Y = a + b_1.x_1 + b_2.x_2 + b_3.x_3 + b_4.x_4$$

(سبک مستبدانه) $\times (۲/۹۱)$ + (رضایت زناشویی) $\times (-۰/۰۳)$ + (سهل‌انگار) $\times ۳/۸۹$ + (مقتدر) $\times (-۲/۰۲)$ + $۸/۴۳$ = اختلالات رفتاری کودکان

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری و رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری دانش‌آموزان شهر کرج بود. بدین منظور، ۳۸۰ نفر (۱۶۸ پسر و ۲۱۲ دختر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و والدین آن‌ها پرسشنامه‌های رضایت زناشویی و شیوه‌های فرزند پروری و معلمان آن‌ها پرسشنامه اختلالات رفتاری را تکمیل نمودند و اطلاعات به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج نشان داد: اختلالات رفتاری فرزندان با شیوه مقتدرانه همبستگی منفی و با شیوه سهل‌گیرانه و مستبدانه همبستگی مثبت معنادار دارد که این یافته با نتیجه پژوهش‌های نیکولائف و همکاران (۲۰۱۶)، ماتسویچ و همکاران (۲۰۱۴)، منوچهری و مفید (۲۰۱۴)، شفیع پور و همکاران (۱۳۹۴)، صادق خانی و همکاران (۱۳۹۱)، چانگ (۲۰۰۳) و بامریند (۱۹۷۶) همسو و در مقابل، با نتایج پژوهش‌های کاشانی (۱۳۸۷) که به این نتیجه دست یافت بین شیوه مقتدرانه و مستبدانه

و اختلالات رفتاری رابطه‌ای وجود ندارد و همچنین، فیلی^۱ (۲۰۱۶) که معتقد است سبک فرزند پروری والدین با رفتارهای پرخاشگرانه کودکان پیش‌دبستانی رابطه معنی‌دار ندارد، ناهم‌سو است. در تبیین این نتیجه می‌توان چنین بیان نمود: به نظر گرین^۲ (۱۹۹۸) در رابطه بین والدین و فرزندان، متغیرهایی چون پذیرش، ابراز محبت و مراقبت والدین از متغیرهای محافظت‌کننده قلمداد می‌شوند و متغیرهایی مانند طرد کردن، خصومت و مراقبت بیش‌ازحد با آسیب‌های روانی فرزندان رابطه دارد. با در نظر گرفتن این متغیرها، والدین مقتدر، والدینی گرم هستند که اغلب با نوزادشان سخن می‌گویند و کوشش می‌کنند کنجکاوی آن‌ها را برانگیزند. این والدین، به نیازها و خواسته‌های فرزندان پاسخ می‌دهند، به آن‌ها پاداش می‌دهند و آن‌ها را تشویق و تحسین می‌کنند. آن‌ها والدینی مسئولیت‌پذیرند و عواطف مثبتی را نسبت به کودکانشان ابراز می‌دارند. هنگامی که فرزندانشان تکلیف سختی را با موفقیت انجام می‌دهند، به آن‌ها پاداش می‌دهند و محیط خانه را محیطی دلپذیر و شاد می‌کنند. افرادی که در چنین محیطی رشد یابند، نسبت به نیازهای دیگران، حساس و مسئول هستند، همان‌گونه که والدینشان در برابر نیازهای آن‌ها مسئول هستند. بلسکی^۳ (۱۹۸۱) بیان می‌کند که گرم بودن، مؤثرترین بعد والدین در دوران نوزادی است؛ زیرا نه تنها کنش روان‌شناختی سالم را در طول دوره رشد پرورش می‌دهد، بلکه شالوده اساسی تجربیات آینده در آن قرار می‌گیرد (سانتراک^۴، ۲۰۰۳)؛ ترجمه مهرداد فیروزبخت، ۱۳۸۳). والدین سهل‌گیر، در ابعاد کنترل و خواسته‌های معتدل در پایین‌ترین سطح هستند. خانواده والدین سهل‌گیر، نسبتاً آشفته‌اند، فعالیت خانواده، نامنظم و اعمال مقررات، اهمال‌کارانه است. والدین سهل‌گیر در عین‌حالی که به ظاهر، نسبت به کودکان خود حساس هستند، اما توقع چندانی از آن‌ها ندارند. فقدان خواسته‌های معقول، همراه با خودداری از ارائه دلیل و درگیری با کودک همواره از ویژگی‌های این شیوه به شمار می‌رود. این والدین در بیشتر موارد مواجهه با بهانه‌جویی و شکایت کودک، سر تسلیم فرود می‌آورند. مادران سهل‌گیر

1. Fili

2. Green

3. Belsky

4. Santrock

به‌عنوان تنبیه، کودک را از محبت خود محروم می‌کنند و به تمسخر او می‌پردازند و در تلاش‌اند تا به شیوه‌ای موافق و همسو با تکانه‌ها، امیال و اعمال کودک رفتار کنند و توقع چندانی برای انجام کارهای منزل و رفتار صحیح از کودک خود ندارند. کودکان والدین سهل‌گیر، از اتکا به خود یا از استقلال اندکی برخوردارند. این کودکان، به‌صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده‌اند که هنگام مواجهه با ناملازمات، تمایل به واپس‌روی دارند؛ نسنجیده عمل می‌کنند و به فعالیت‌های بی‌هدف می‌پردازند. شیوه فرزند پروری سهل‌گیر در کودکی باعث می‌شود که کودک، تکانشی، نافرمان، سرکش، متوقع و وابسته بار بیاید، نسبت به تکالیف پافشاری کمتری از خود نشان دهد و در نوجوانی، باعث خودمداری نوجوان می‌شود و عملکرد ضعیفی از خود در مدرسه نشان خواهد داد (برجعی، ۱۳۷۸). والدین مستبد، بسیار پرتوقع بوده و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند. پیامدهای کلامی والدین، یک‌جانبه و فاقد همنوایی عاطفی است. والدین مستبد، غالباً هنگام اعمال رهنمودها دلیل ارائه نمی‌کنند و به تشویق پاسخ‌های کلامی نمی‌پردازند. همچنین تا آنجا که ممکن است، در برابر استدلال کودکان خود تغییر موضع نمی‌دهند. والدین مستبد، کمترین مهرورزی را اعمال می‌کنند؛ به‌ویژه که این والدین، به‌ندرت در تعاملی که منجر به خشنودی کودک شود شرکت می‌جویند. این والدین، عموماً نسبت به تلاش‌های کودک برای حمایت و توجه بی‌تفاوت‌اند و به‌ندرت از تقویت مثبت استفاده می‌کنند. ابراز محبت در این الگو در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. مادران مستبد، همدلی و همدردی اندکی را نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند و شواهد اندکی مبنی بر روابط عاطفی قوی بین مادر و فرزند وجود دارد. بر اساس گزارش‌های موجود، این مادران برای کنترل کودکان خود از شیوه ایجاد ترس استفاده می‌کنند. نکته جالب‌توجه آن است که بین والدین مستبد و فرزندانشان، هیچ‌گونه تفاهمی وجود ندارد. آن‌ها اطاعت کودک را یک حسن تلقی می‌کنند و در مواقعی که رفتار کودک در تعارض با معیارهای رفتاری آن‌ها قرار می‌گیرد، از تنبیه و اعمال زور برای مهار خواسته کودک استفاده می‌کنند. این کودکان، به‌صورت افرادی با خصومت، نافع‌ال، منزوی و غم‌زده، آسیب‌پذیر نسبت به فشار و محتاط توصیف شده‌اند. شیوه فرزند پروری مستبدانه در دوران کودکی باعث می‌شود که کودک، مضطرب، ناشاد و ناسازگار بار بیاید و در صورت ناکام شدن، از خود خصومت نشان دهد و در نوجوانی باعث می‌شود که نوجوان، سازگاری

کمتری نسبت به همسالان از خود نشان دهد (برجعی، ۱۳۷۸). علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد، اختلالات رفتاری با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار دارد؛ به طوری که رضایت زناشویی می‌تواند ۶ درصد از واریانس اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی نماید؛ که نتیجه به دست آمده با نتایج پژوهش‌های زادحسن و همکاران (۱۳۹۵)، رحیمی و رحیمی (۱۳۹۴)، تقی‌زاده و محمدی (۱۳۹۳)، بختیارپور و همکاران (۱۳۹۱) و عرفایی و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. در تبیین نتیجه حاصل شده می‌توان گفت: روابط زناشویی رضایت‌بخش، سنگ بنای عملکرد خوب خانواده است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، نقش والدینی مؤثر را تسهیل می‌کند، روابط فرزندان را با یکدیگر و با والدین بهبود می‌بخشد و باعث رشد شایستگی و توانایی سازگاری و انطباق بین فرزندان می‌گردد (کامینگ^۱ و همکاران، ۱۹۹۷؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۲). کریشناکومار^۲ و بوهرلر^۳ (۲۰۰۰) معتقدند، والدینی که رضایت زناشویی بیشتری دارند، از فرزندان خود بیشتر حمایت می‌کنند و برعکس، تعارضات زناشویی به عملکرد والدینی غیر مؤثر به صورت نظام تربیتی بی‌ثبات منجر می‌شود که گرمی و مسئولیت در رابطه والد - فرزند را کاهش می‌دهد. برونفن‌برنر^۴ (۱۹۹۵) نیز معتقد است که تعاملات رفتاری بین زوجین، یکی از ابزارهای مهم است که از آن طریق، محیط بلاواسطه رشد روانی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که تعارض والدین می‌تواند به آسیب دیدن روابط خانواده و رفتارهای فرزند پروری والدین منجر شود. بر اساس نظریه خانواده پویایی براون^۵ (۱۹۷۸؛ به نقل از درتاج و محمدی، ۱۳۸۹)، وقتی عملکرد ضعیف در روابط زناشویی وجود داشته باشد، این اختلاف روی رفتار کودک تأثیرگذار بوده و انعکاس عملکرد بد والدین را کودک به صورت نشانه‌های آسیب‌شناختی نشان می‌دهد. بنابراین، یکی از فرایندهای غیرمستقیم تأثیر تعارض، اختلال یا فروپاشی در روابط خانواده است و در

1. Kaming

2. Krishnakumar

3. Buehler

1. Bronfenbrenner

2. Brown

مقابل، وقتی نظام خانواده عملکرد سالمی داشته باشد اعضای خانواده یک گروه منسجم و یکپارچه را می‌سازند (مینوچین^۱، ۱۹۷۴؛ به نقل از آقاپور و اقدسی، ۱۳۸۹). در همین راستا، نتایج پژوهش قره‌باغی (۱۳۸۹) باهدف بررسی رابطه بین تعارض زناشویی و ارتباط والد - کودک با نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران، نشان‌دهنده نقش پیش‌بینی‌کنندگی تعارض زناشویی در کاهش کیفیت رابطه والدین با فرزندان بود. همچنین، نتایج بیانگر این بود که تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در پیش‌بینی مشکلات آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک نقش دارند. علاوه بر این، خانواده‌هایی که در آن‌ها تنش و درگیری زیادی وجود دارد، توان کمتری برای تربیت و پرورش کودک به کار گرفته می‌شود؛ زیرا انرژی و زمان والدین، صرف حل و فصل مشکلات زناشویی می‌شود و کودک نیز در چنین محیط متشنجی، آمادگی کاملی برای دریافت محبت و جذب آنچه باید بیاموزد را ندارد و از طریق مشاهده رفتار والدین، این سبک و سیاق زندگی کردن را یاد گرفته و الگوبرداری می‌کند و زمینه برای بروز اختلالات و رفتارهای نابهنجار بعدی آماده می‌شود. محققان نشان داده‌اند، کودکانی که در خانواده‌هایی با تعارض بالا زندگی می‌کنند، در خطر مشکل سازگاری بالا قرار دارند و تعارض بین والدین، با مشکلات رفتاری و سلامت کودکان مرتبط است (دیویس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). برای مثال، مک‌دونالد^۳ و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی‌های خود نشان دادند که تعارض زناشویی، پیش‌بینی‌کننده مشکلات افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و بزهکاری در کودکان است. در خاتمه باید گفت که در اجرای پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها برخی محدودیت‌ها وجود داشت که لازم است مورد توجه سایر پژوهشگران قرار بگیرد. در این پژوهش فقط دانش‌آموزان شهر کرج به‌عنوان جامعه پژوهش در نظر گرفته شدند؛ لذا در تعمیم نتایج به سایر مقاطع تحصیلی و دیگر شهرها باید جانب احتیاط در نظر گرفته شود. عدم امکان کنترل متغیرهایی مثل وضعیت اقتصادی، فرهنگی و تعداد فرزندان که بر رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری والدین تأثیرگذارند، از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر

¹. Minuchin

². Davies

³. McDonald

است. پیشنهاد می‌شود، نتایج پژوهش حاضر مورد توجه مراکز درمان اختلالات، مراکز مشاوره، مددکاری و به‌ویژه آموزش و پرورش قرار گیرد تا با سرمایه‌گذاری بیشتر در حیطه‌های آموزش غیررسمی، پیش از دبستان و سال‌های آغازین دبستان و آموزش خانواده‌ها در زمینه غنی‌سازی محیط خانواده کوشا باشند و با هزینه اندکی از بروز انواع اختلالات پیشگیری نمایند.

منابع

- آقاپور، مهدی. اقدسی، علی‌نقی (۱۳۸۹). بررسی رابطه تعارض زناشویی با نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک. فصل‌نامه زن و مطالعات خانواده، ۳ (۹)، ۲۷-۳۵.
- احمدی، خدابخش (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین و مقایسه روش مداخله تغییر شیوه زندگی و حل مشکل خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی. رساله‌ی دکتری، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- بختیارپور، سعید؛ حافظی، فریبا؛ کوچکی، لادن و حاجوئی، ابراهیم (۱۳۹۱). رابطه افسردگی و رضایت زناشویی مادران با مشکلات رفتاری دختران. فصل‌نامه یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۸ (۲۵)، ۴۱-۵۴.
- برجعلی، احمد (۱۳۷۸). تأثیر سازگاری و الگوهای فرزند‌پروری والدین بر تحول روانی اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- برهمند، اوشا (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند‌پروری و مشکلات رفتاری میان کودکان پیش‌دبستانی شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پوردهقان، محمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین عزت‌نفس و رضایت زناشویی معلمان مدارس راهنمایی شهرستان ساوجبلاغ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
- تقی‌زاده، محمد احسان و محمدی، نرگس (۱۳۹۳). نقش رضایت زناشویی مادران در پیش‌بینی اضطراب و خودپنداره دختران نوجوان. فصل‌نامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۵ (۴)، ۷۹-۸۷.

- درتاج، فریبرز؛ و همکاران. (۱۳۸۹). مقایسه عملکرد خانواده مبتلا به اختلال کمبود توجه/ بیش‌فعالی با عملکرد خانواده کودکان بدون اختلال کمبود توجه / بیش‌فعالی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶ (۲)، ۲۱۱-۲۲۶
- رحیمی، محبوبه و فرح رحیمی (۱۳۹۴). بررسی رابطه رضایت زناشویی و سبک‌های فرزند پروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه همایشگران مهر.
- زادحسن، زهره؛ جمشید زاده، حسن؛ مرآتی فشی، مهدی و زاده حسن، زهرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه رضایت زناشویی والدین با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم، دبیرخانه دائمی.
- سانتراک، جی. دبلیو (۱۳۸۳). زمینه روانشناسی (جلد دوم). ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۳).
- سیدنوری، سیدزهره؛ کافی، سیدموسی؛ حسین خانزاده، عباسعلی و کریمی لیچاهی، رقیه (۱۳۹۳). مقایسه سلامت عمومی و رضایت زناشویی در مادران کودکان با ناتوانی‌های یادگیری و عادی. مجله مطالعات ناتوانی، ۵ (۱)، ۱۱۹-۱۲۲.
- صادق‌خانی، اسداله؛ علی‌اکبری دهکردی، مهناز؛ و کاکوجویاری، علی‌اصغر. (۱۳۹۱). مقایسه شیوه‌های فرزند پروری مادران دانش‌آموز پسر ۷-۹ سال دوره ابتدایی با اختلال لجبازی-نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام. فصل‌نامه افراد استثنائی، ۳ (۶)، ۹۵-۱۱۴.
- صبوری، پرویز (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی منطقه ۵ تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- علیزاده، حمید (۱۳۸۰). تعامل والدین- فرزند: تحول و آسیب‌شناسی. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۶۸۲-۹۶.

- قره‌باغی، فاطمه (۱۳۸۹). نقش تعارض زناشویی و رابطه والدین با کودک در نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۳ (۱)، ۸۹-۱۰۸.
- کاشانی، علیرضا (۱۳۸۷). رابطه شیوه‌های فرزند پروری و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان دبستانی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- مسعودی، محمدحسین (۱۳۹۰). بررسی رابطه سطح دینداری والدین و اختلالات رفتاری کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ملائکه، علی (۱۳۸۴). مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی. نشریه فرزند سالم، ۱۴، ۵۳-۵۲.
- نجاتی، وحید (۱۳۹۱). شیوع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ابتدایی در شهرستان‌های استان تهران. مجله سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۳۰(۲)، ۱۶۲-۱۶۷.
- Alaei, Z., Ahmadi Gatab, T., & Babaei, A. (2011). The relationship between parent marital adjustment, parent rearing style and health of children in azad university. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1969-1975.
- Arfaie, A., Mohammadi, A., & Sohrabi, R. (2013). Relationship between marital conflict and child affective-behavioral psychopathological symptoms. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 1776-1778.
- Baumrind, D. (1976). Child-Care practices antecending three patterns of preschool behavior. *Genetic psychology*, 75, 43-88.
- Breevaart, K., & Bakker, A.B. (2011). Working parents of children with behavioral problems: a study on the family° work interface. *Anxiety Stress Coping*, 24(3), 239° 253.
- Bronfenbrenner, U. (1995). *The bio ecological model from a life course perspective: Relation of the participant observer*. In P. Moen, G. H.Elder, Jr & K.luscher (Eds),

Examining lives in context (pp.559-618). Washington, DC: American Psychological Association.

- Chang, R. H. (2003). Relationship of recalled parenting style to self perception in Korean. American College Student.
- Davies, K.A., Macfarlane, G.J., McBeth, J. R., & Morriss, C. Dickens. (2009). Insecure attachment style is associated with chronic widespread pain. *PAIN*,143(3), 200-205.
- DeLongis, A., & Zwicker, A. (2016). Marital satisfaction and divorce in couples in stepfamilies. *Curr Opin Psychol*, 13,158° 161.
- Doctoroff, G.L., & Arnold, D.H. (2017). Doing homework together: The Relationship between parenting strategies, child engagement, and achievement. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 48, 103-113.
- Fili, E. (2016). Parenting styles and aggressive behavior among preschool going children. *International Journal of Academic Research and Reflection*, 4(2), 1-13.
- Gao, Y., Zhang, W., & Fung, A.L. (2015). The associations between parenting styles and proactive and reactive aggression in Hong Kong children and adolescents. *Int J Psychol*, 50(6), 463-471.
- Green, R.W. (1998). *The Explosive Child: A New Approach for Understanding and Parenting Easily Frustrated*. Harper Collins.
- Krishnakumar, A., & Buehler, M.M. (2000). Interparental conflict and parenting behaviors: A meta-analytic review. *Family Relations, Journal of Applied Family & Child Studies*, 49, 25-44.
- Kwok, S.Y.C.L., Leung, C.L. K., & Wong, D.F.K. (2014). Marital satisfaction of Chinese mothers of children with autism and intellectual disabilities in Hong Kong. *J Intellect Disabil Res*, 58(12), 1156° 1171.
- Lopoo, L. M., & DeLeire, T. (2014). Family structure and the economic wellbeing of children in youth and adulthood. *Social Science Research*, 43, 30° 44.

- Manoochehri, M., & Mofidi, F. (2014). Relationship between child rearing styles and anxiety in parents of 4 to 12 years children. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 2578-2582.
- Mirfardi, A., Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Relationship between background factors and female marital satisfaction. *J Soc Sci*, 6 (3), 447° 52.
- Matejevic, M., Jovanovic, D., & Jovanovic, M. (2014). Parenting styles, involvement of parents in school activities and adolescents academic avhievment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 128, 288-293.
- McDonald, A., Culp, R. E., Noland, D., & Anderson, J. W. (2006). Stress, marital satisfaction, and child care provision by mothers of adolescent mothers: Considerations to make when providing services. *Children and Youth Services Review*, 28 (6), 673-681.
- Nikolaev, E.L., Baranova, E.A., & Petunova, S.A. (2016). Mental health problems in young children: The role of mathers coping and parenting styles and characteristics of family functioning. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 333, 94-99.
- Olson, R. R., & Nemchek, S. (1989). *Five factor personality similarity and marital adjustment*. Social behavior a personallity: an International.
- Oprisan E, Cristea DA. (2012). Few variables of influence in the concept of marital satisfaction. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 33, 468° 472.
- Rajabi, M., Afrooz, G.A., Arjmandian, A. A. (2012). The Relationship between marital satisfaction and behavioral problems of children with down syndrome and comparing them to that of normal children. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 2584-2589.
- Salimi Souderjani, M., & Yousefi, Z. (2017). The Effectiveness of Parenting Styles Training Based on Acceptance and Commitment Therapy (ACT) to Mothers on Decreasing Separation Anxiety and Oppositional Defiant Disorder of Children. *JCMH*, 4 (2), 104-115.

- Sangawi, H., Adams, J., & Reissland, N. (2015). The effects of parenting styles on behavioral problems in primary school children: A cross-cultural review. *Asian Socl Sci*, 11(22), 171-86.
- Shafipour, Z., SHeikhi, A., Mirzaei, M., & Kazemnejad, A. (2015). Parenting styles and Its relation with children behavioral problems. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 25 (76), 49-56.
- Sharma, M., & Joshi, H.L. (2015). Family environment, mental health and academic performance of adolescents. *International Journal of Current Research and Academic*, 3, 252-263.
- Soucy, N., & Larose, S. (2000). Attachment and control in family and mentoring contends as determine of adolescence adjustment to college. *Journal of family psychology*, 14, 125-143.
- Vasilopoulou, E., & Nisbet, J. (2016). The quality of life of parents of children with autism spectrum disorder: A systematic review. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 23, 36-49.
- Yuksel, M., & Nilgun Canel, A. (2012). The analysis of social competency and anti-social behavior of children aged between 4 and 5 from the perspective of marital satisfaction and some other variables. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 4973-4980.
- Zainah, A.Z. R., Nasir, S. H., & Ruzy, M. Y. Noraini. (2012). Effects of demographic variables on marital satisfaction, *Asian Social Science, Bangi, Malaysia*, 8 (9).
- Zarei, J., Rostami, R., & Ghapanchi, A. (2010). Marital satisfaction in parents of children with attention deficit / hyperactivity disorder in comparison with parents of normal children. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 744-747.

Relationship between parenting styles and Parent's Marital Satisfaction with Behavioral Disorders in karaj Primary School Students

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between parenting styles and parent's marital satisfaction with behavioral disorders of karaj primary school students. For this purpose, 380 students (168 boys and 212 girls) were selected by multistage cluster sampling method from karaj primary school students who were studying in the academic year of 2016-2017. The research method is correlation type and the research tools were parenting styles, marital satisfaction and behavioral disorders questionnaires. For data analysis, Pearson correlation coefficient and regression analysis were used. The results showed that Students' behavioral disorders have a significant negative correlation with marital satisfaction and authoritative parenting style but a positive and significant relationship with Permissive and authoritarian parenting styles. In addition, the authoritative parenting style is the best predictor of child behavioral disorders and In general, parenting styles and marital satisfaction can predicted 24% of the variance of behavioral disorders.

Keywords: Parenting styles, marital satisfaction, behavioral disorders.